



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

سیمای پیامبر اکرم (ص)
در آینه

نهج البلاغه

جواد حسینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سیمای پیامبر اکرم در آینه نهج البلاغه

نویسنده:

جواد حسینی

ناشر چاپی:

نشریه پاسدار اسلام

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	سیمای پیامبر اکرم در آینه نهج البلاغه
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۶	ضرورت شناخت آن حضرت
۶	اشاره
۷	زهد و پارسائی حضرت
۹	ویژگیهای اخلاقی آن حضرت
۱۰	موفقیت‌های پیامبر اکرم
۱۱	دعای علی در حق پیامبر
۱۲	پاورقی
۱۳	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

سیمای پیامبر اکرم در آینه نهج البلاغه

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران ۸۳-۱۷۸۵۲

سرشناسه: حسینی جواد

عنوان و نام پدیدآور: سیمای پیامبر اکرم ص در آینه نهج البلاغه حسینی جواد
منشا مقاله: ، پاسدار اسلام ش ۲۶۹، (اردیبهشت ۱۳۸۳): ص ۱۸ - ۲۱، ۵۰.

توصیفگر: نهج البلاغه

توصیفگر: سیره نبوی

توصیفگر: محمد(ص)، پیامبر اسلام

مقدمه

شرف و جلال پیمبران بُود از جلال محمدی سبب وجود جهانیان همه از کمال محمدی نرسد خرد بکمال او، نه بشر بکنه جلال او شرف و صفای بهشتیان همه از جلال محمدی بلغ العلی بکماله کشف الدجی بجماله حسنت جمیع خصاله صلّوا علیه و آله محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب (صلی الله علیه و آله و سلم) در هفدهم ربیع سال عام الفیل پا به عرصه وجود گذاشت در حالی که پدر را قبل از ولادت از دست داده بود. این حادثه، بزرگترین حادثه تاریخ بشری بحساب می آید، دلیل آن حوادثی است که بدنبال حادثه ولادت آن حضرت اتفاق افتاد. با ولادت آن بزرگمرد عالم هستی، تمام بت‌های عالم سرنگون شده، و طاق کسری به لرزه افتاده و چهارده کنگره آن ریزش نمود، دریاچه ساوه که سالها مورد پرستش قرار می گرفت به زمین فرو رفته و خشکید، وادی «سماوه» که سالها حالت خشک سالی داشت آب در آن جاری گشت، و آتشکده فارس که هزار سال خاموش نشده بود در آن شب به خاموشی گرایید، و تخت تمامی پادشاهان سرنگون گشته و شاهان خود لال گشتند، و دانش کاهنان زائل شده و سحر ساحران بر بادرفته، و از همه مهمتر نوری از سمت حجاز به شرق و غرب عالم تابید (و به رمز فراگیری دین آن حضرت) تمام عالم را روشن نمود. [۱]. این همه نشان از عظمت شخصیتی دارد که در چنین روزی به دنیا آمده است، لذا جا دارد جامعه اسلامی بیش از پیش با شخصیت او آشنا شده و خصلت‌های او را الگو و سرمشق قرار دهند، آنچه پیش رو دارید نگاهی است به شخصیت والای نبوی در کلام بلند علوی در نهج البلاغه.

ضرورت شناخت آن حضرت

اشاره

هر جامعه نیاز به الگو دارد که شناخت آن ضروری و لازم است، قرآن کریم برترین الگوی جامعه اسلامی را پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می داند آنجا که می فرماید: «ولکم فی رسول الله اسوة حسنة...» [۲]؛ مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می کنند. «لذا لازم است در هر زمان با توجه به نیازهای ضروری جامعه، ابعاد شخصیتی ختمی مرتبت مورد بررسی قرار گیرد و به جامعه عرضه شود، و علی (علیه السلام) نیز بر این امر تأکید دارد آنجا که می فرماید: «وَلَقَدْ كَانَ فِي رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) كَافٍ لَكُمْ فِي الْأُسْوَةِ، وَ

دَلِيلٌ لَّكَ عَلَى ذَمِّ الدُّنْيَا وَعَيْبِهَا وَكَثْرَةِ مَخَازِيهَا وَمَسَاوِيهَا اِذْ قُبِضَتْ عَنْهُ اطْرَافُهَا وَوُطِئَتْ لِغَيْرِهِ اَكْنَافُهَا وَفُطِمَ عَنْ رَضَاعِهَا...» [۳] برای تو کافی است که راه و رسم زندگی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) را اطاعت نمایی، تا رهنمای خوبی برای تو در شناخت بدی‌ها و عیب‌های دنیا و رسوایی‌ها و زشتی‌های آن باشد، چه اینکه دنیا از هر سو بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) باز داشته و برای غیر او گسترانده شد، از پستان دنیا شیر نخورد، و از زیورهای آن فاصله گرفت. در ادامه همین خطبه درباره اسوه بودن آن حضرت و لزوم اقتدا به او می‌فرماید: «فَتَأَسَّ بِنَبِيِّكَ الْاَطْيَبِ الْاَطْيَبِ (صلی الله علیه و آله و سلم) فَإِنَّ فِيهِ اُسُوَةٌ لِمَنْ تَأَسَّى وَعَزَاءٌ لِمَنْ تَعَزَّى وَ اَحَبُّ الْعِبَادِ اِلَى اللّٰهِ اَلْمُتَأَسِّي بِنَبِيِّهِ وَ الْمَقْتَصِّ لِاَثَرِهِ [۴]؛ پس به پیامبر پاکیزه و پاکت اقتدا کن، که در (راه و رسم) او الگویی است برای الگو طلبان و مایه فخر و بزرگی است برای کسی که خواهان بزرگواری باشد، محبوب‌ترین بنده نزد خدا کسی است که از پیامبرش پیروی کند و گام بر جایگاه قدم او نهد و راز الگو بودن حضرت نیز اصالت و جامعیت اوصاف آن حضرت است، در این باره امیرمؤمنان (علیه السلام) می‌فرماید: «...تا اینکه کرامت اعزام نبوت از طرف خدای سبحان به حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) رسید، نهاد اصلی وجود او را از بهترین معادن استخراج کرد، نهال وجود او را در اصیل‌ترین و عزیزترین سرزمین‌ها (و خانواده‌ها) کاشت و آبیاری نمود. او را از همان درختی که دیگر پیامبران و منتخبان خود را از آن آفرید بوجود آورد... در حرم امن الهی روید، و در آغوش خانواده کریمی بزرگ شد، شاخه‌های بلند آن سر به آسمان کشیده که دست کسی به میوه آن نمی‌رسید. پس پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پیشوای پرهیزکاران و وسیله بینایی هدایت خواهان است چراغی با نور درخشان و ستاره‌ای فروزان، و شعله‌ای با برق‌های خیره کننده و تابان است، راه و رسم او با اعتدال و روش زندگی او صحیح و پایدار، و سخنانش روشنگر حق و باطل و حکم او عادلانه است...» [۵] و فرمود: «هر کس از آن (پیامبر) پیشی گیرد از دین خارج شده و آن کس که از آن عقب ماند هلاک گردد و هر کس همراهش باشد رستگار شود.» [۶]. شناخت آن حضرت و الگوپذیری از روش و زندگی او نه تنها آثار گرانبهای دنیوی و آخرتی دارد، بلکه پاداش بی‌کران الهی را نیز در پی دارد، چنانکه امیر سخن (علیه السلام) می‌فرماید: «فَإِنَّهُ مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ عَلَى فِرَاشِهِ وَهُوَ عَلَى مَعْرِفَةِ حَقِّ رَبِّهِ وَحَقِّ رَسُولِهِ وَاهْلِ بَيْتِهِ مَاتَ شَهِيداً وَوَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللّٰهِ وَاسْتَوْجِبَ ثَوَابَ مَأْنَوِي مِنْ صَالِحِ عَمَلِهِ...» [۷] پس براستی کسی که در بستر خویش با شناخت خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت آن حضرت بمیرد، شهید از دنیا رفته و پاداش او بر خداست و ثواب اعمال نیکویی را که قصد انجامش را داشته خواهد برد. با توجه به ضرورت شناخت اوصاف آن حضرت و الگوپذیری از آن، به گوشه‌هایی از اوصاف و ویژگیهای آن حضرت از دیدگاه نهج البلاغه اشاره می‌شود.

زهد و پارسائی حضرت

«زهد» و «رغبت» (اگر بدون متعلق ذکر شوند) نقطه مقابل یکدیگرند، زهد یعنی اعراض و بی‌میلی، در مقابل رغبت که عبارت است از کشش و میل. بی‌میلی دو گونه است: طبیعی و روحی. بی‌میلی طبیعی آن است که طبع انسان نسبت به چیزی تمایلی نداشته باشد. همچون طبع بیمار که میلی به غذا و.. ندارد. بدیهی است که اینگونه بی‌میلی و اعراض ربطی به زهد اصطلاحی ندارد. بی‌میلی روحی یا عقلی یا قلبی آن است که اشیائی که مورد تمایل و رغبت طبع است از نظر اندیشه و آرزوی انسان که در جستجوی سعادت و کمال مطلوب است هدف و مقصود نباشد، هدف و مقصود و نهایت آرزو و کمال مطلوب اموری باشد برتر از مشتیهات نفسانی و دنیوی، خواه آن امور از مشتیهات نفسانی اخروی باشد و یا اساساً از نوع تمایلات نفسانی نباشد بلکه از نوع فضائل اخلاقی باشد از قبیل عزت، شرافت، کرامت، آزادی و یا از نوع معارف معنوی و الهی باشد، مانند یاد خداوند، محبت خداوند، تقرب به پیشگاه ذات اقدس الهی. پس زاهد واقعی کسی است که توجهش از مادیات دنیا به عنوان کمال مطلوب و برترین خواسته عبور کرده متوجه مشتیهات اخروی و یا فضائل اخلاقی و معارف معنوی شده است. [۸]. زهد و پارسائی پیامبر اکرم از چنین زهدی

بوده است، چنانکه علی (علیه السلام) می‌فرماید: «النبیُّ قد حَقَّرَ الدُّنْیَا وَصَغَّرَهَا وَهَوَّنَهَا وَهَوَّنَهَا وَ عَلِمَ أَنَّ اللَّهَ زَوَاهَا عَنْهُ إِخْتِياراً وَ بَسَطَهَا لِغَیْرِهِ احْتِقاراً، فَأَعْرَضَ عَنِ الدُّنْیَا بِقَلْبِهِ، وَآمَاتَ ذِكْرَهَا عَنِ نَفْسِهِ وَ أَحَبَّ أَنْ تَغِیْبَ زینَتُهَا عَنْ عَیْنِهِ لِکَیْلَا یَتَّخِذَ مِنْهَا رِیاشاً أَوْ یَرَجُوا فِیْهَا مَقاماً...؛ نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) دنیا را کوچک و در چشم دیگران آن را ناچیز جلوه داد. (تا مردم بدنبال زهد واقعی باشند و لذا) آن را خوار می‌شمرد و در نزد دیگران (نیز) خوار و بی مقدار معرفی فرمود. (و می‌دانست که خداوند برای احترام به ارزش آن حضرت دنیا را از او دور ساخت) و آن را برای ناچیز بودنش به دیگران بخشید. پس (پیامبر اکرم زهد انتخابی داشت و) از دل و جان به دنیا پشت کرد، و یاد آن را در دلش میراند. (زهد او این گونه بود که) دوست می‌داشت زینت‌های دنیا از چشم او دور نگهداشته شود، تا از آن لباس فاخری تهیه نسازد، یا اقامت و ماندن در دنیا را آرزو نکند، و برای تبلیغ احکامی که قطع کننده عذرهاست تلاش کرد و امت اسلامی را با هشدارهای لازم نصیحت کرد، و با بشارت‌ها مردم را به سوی بهشت فرا خواند.» [۹] خوب است امت اسلامی مخصوصاً مسئولان و هدایتگران جامعه به زهد و پارسائی حضرت توجه کنند و گوشه‌هایی از آن را در زندگی خویش نیز بوجود آورند. در بخش دیگر امیرمؤمنان درباره زهد آن حضرت چنین می‌گوید: «پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از دنیا چندان نخورد که دهان را پر کند، و به دنیا با گوشه چشم نگریست. دو پهلویش از تمام مردم فرو رفته‌تر، و شکمش از همه خالی‌تر بود، دنیا را به او نشان دادند ولی او نپذیرفت، و چون دانست خدا چیزی را دشمن می‌دارد، آن را دشمن داشت، و چیزی را که خدا خوار شمرده، آن را خوار انگاشت، و چیزی را که خدا کوچک شمرده کوچک و ناچیز می‌دانست (این یعنی بی میلی به دنیا بخاطر قرب الهی و محبت به او). و همانا پیامبر (که درود خدا بر او باد) بر روی زمین می‌نشست و غذا می‌خورد، و چون بردگان ساده می‌نشست و با دست خود کفش خود را وصله می‌زد و جامه خود را با دست خود می‌دوخت... پرده‌ای بر در خانه او آویخته بود که نقش و تصویرها در آن بود، به یکی از همسرانش فرمود، این پرده را از برابر چشمان من دور کن که هرگاه نگاهم به آن می‌افتد به یاد دنیا و زینت‌های آن می‌افتم. پیامبر (زهد واقعی و انتخابی داشت لذا) با دل و جان از دنیا روی گرداند، و یادش را از جان خویش ریشه کن نمود. و همواره دوست داشت تا جاذبه‌های دنیا از دیدگانش پنهان ماند، و از آن لباس زیبایی تهیه نکند و آن را قرارگاه دائمی خود نداند، و امید ماندن در دنیا نداشته باشد، پس (او حقیقتاً) یاد دنیا را از جان خویش بیرون کرده و دل از دنیا برکند و چشم از دنیا پوشاند.» [۱۰]. هر کس می‌خواهد زاهد واقعی باشد و پیرو حقیقی آن حضرت، در زندگی و رفتار او باید دقت کند و آن را الگو و سرمشق قرار دهد چنان که زاهدترین شاگرد مکتب او امیر بیان فرمود: «و لَقَدْ كَانَ فِي رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) مَا يَدُلُّكَ عَلَى مَسَاوِي الدُّنْيَا وَ عُيُوبِهَا إِذْ جَاعَ فِيهَا مَعَ خَاصَّتِهِ، وَ زُوِيَ عَنْهُ زَخَارِفُهَا مَعَ عَظِيمِ زُلْفَتِهِ فَلْيَنْظُرْ نَاطِرٌ بِعَقْلِهِ: أَكْرَمَ اللَّهُ مُحَمَّدًا بِذَلِكَ أَمْ أَهَانَهُ فَإِنْ قَالَ أَهَانَهُ فَقَدْ كَذَبَ وَ اللَّهُ الْعَظِيمُ بِالْأَفْكَ الْعَظِيمِ وَ إِنْ قَالَ أَكْرَمَهُ فَلْيَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهَانَ غَيْرَهُ...؛ براستی در زندگانی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) برای تو نشانه‌هایی است که تو را به زشتی‌ها و عیب‌های دنیا راهنمایی کند، زیرا پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با نزدیکان خود گرسنه به سر می‌برد (نه چون نزدیکان برخی افراد که از سیری زیاد نمی‌دانند چه کار کنند) و با آن که مقام و منزلت بزرگی داشت زینت‌های دنیا از دیده او دور ماند. پس تفکر کننده‌ای باید با عقل خویش به درستی اندیشه کند که: آیا خدا محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را به داشتن این صفتها اکرام نمود یا خوارش کرد؟ اگر بگویند: خوار کرد، دروغ گفته (بخدای بزرگ قسم) و بهتانی بزرگ زده است، و اگر بگویند: او را اکرام کرده، پس بداند، خدا خوار شمرد کسی را که دنیا را برای او گستراند چرا که از نزدیک‌ترین مردم به خودش (یعنی محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)) دور نگهداشت. پس پیروی کننده باید از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پیروی کند، و به بدنبال او راه رود، و قدم برجای او گذارد، و گرنه از هلاکت ایمن نباشد. سپس براستی خداوند محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را نشانه قیامت، و مژده دهنده بهشت و ترساننده از کیفر جهنم قرار داد، او با شکمی گرسنه از دنیا رفت و با سلامت جسم و جان وارد آخرت شد و سنگی بر سنگی نگذاشت (و کاخ و خانه‌های مجلل نساخت) تا آنروز که جهان را ترک گفت و دعوت

پروردگارش را اجابت نمود» [۱۱] راستی فرسنگ‌ها بین ما و پیشوا و الگوی ما فاصله است، ما کجا و رفتار پیامبر کجا؟ تنها پیرو راستین او امیرمؤمنان بود که اولاً به داشتن چنین رهبری، افتخار می‌کند آنجا که می‌گوید: «وہ! چه بزرگ است متنی که خدا با بعثت پیامبر بر ما نهاده، و چنین نعمت بزرگی را به ما عطا فرمود، رهبر پیشتازی که باید او را پیروی کنیم و پیشوایی که باید راه او را تداوم بخشیم.» [۱۲] و ثانیاً در عمل مانند پیامبر زاهد بود چنانکه خود می‌فرماید: «به خدا سوگند آنقدر این پیراهن پشمین را وصله زدیم که از پینه کننده آن شرمسارم. یکی گفت: آیا آن را دور نمی‌افکنی؟، گفتم: از نزد من دور شو، صبحگاهان رهروان ستایش می‌شوند (یعنی آینده از آن استقامت کنندگان و زاهدان روز و شب زنده داران است)» [۱۳].

ویژگیهای اخلاقی آن حضرت

قرآن کریم از میان تمام اوصاف آن حضرت، وی را به اخلاق نیکویش تحسین می‌کند آنجا که می‌فرماید: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ [۱۴]؛ و یقیناً تو دارای اخلاق عظیم و برجسته‌ای هستی» و اساساً خود آن حضرت بر این باور بود که فلسفه بعثت برای تکمیل مکارم اخلاق بود و لذا می‌فرمود: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ [۱۵]؛ همانا من برای به سامان رساندن فضائل اخلاقی مبعوث شده‌ام.» این‌ها نشان از عظمت و ارزش اخلاق، و همین‌طور والائی و برتری آن حضرت دارد به نمونه‌هایی از اخلاقیات آن حضرت اشاره می‌شود: الف: نرم خویی و مهربانی: از دیدگاه قرآن شاخص‌ترین ویژگی اخلاقی آن حضرت اخلاق زیبا و برخورد شفقت‌آمیز آن حضرت با دیگران بود. آن پیامبر رحمه للعالمین با داشتن این خصلت ستودنی دلهای بسیاری را به خود شیفته ساخته و به راه راست هدایت نمود در حالی که هیچ قدرتی توان انجام چنین کار شگرفی را نداشت، خداوند متعال در این زمینه می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ [۱۶]؛ پس به برکت رحمت الهی (در برخورد) با مردم نرم و مهربان شدی و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند.» و علی (علیه السلام) درباره اخلاق آن حضرت و نرم‌خویی و مهربانی او چنین می‌گوید: «كَانَ أَحْوَدَ النَّاسِ كَفًّا وَ أَجْرَأُ النَّاسِ صِدْرًا، وَ أَصْدَقُ النَّاسِ لَهْجَةً، وَ أَوْفَاهُمْ ذِمَّةً وَ أَلْيَنُهُمْ عَرِيكَةً وَ أَكْرَمُهُمْ عِشْرَةً وَ مَنْ رَأَاهُ بَدِيهَةً هَابَةً وَ مَنْ خَالَطَهُ فَعَرَفَهُ أَحَبَّهُ، لَمْ أَرَقْبَلُهُ وَ لَا بَعْدُهُ مِثْلَهُ [۱۷]؛ (پیامبر اکرم) سخاوتمندترین مردم، و شجاعترین آنها، و راستگوترین آنها، و وفادارترین انسان نسبت به وعده، و نرمترین (انسان) از نظر خوی و کریمترین مردم در برخورد و معاشرت بود، و هرکس در ابتدا او را می‌دید از او دوری می‌کرد (ولی) هرکس با او همراه می‌شد و او را می‌شناخت (به او علاقمند می‌شد) و سخت به او محبت می‌ورزید، بگونه‌ای که مثل او قبل از آن و بعد از آن ندیده بود.» و از عائشه نقل شده است که درباره اخلاق آن حضرت گفت: «كَانَ أَحْسَنَ النَّاسِ خُلُقًا؛ بهترین مردم بود در خلق و خوی.» [۱۸] و علی (علیه السلام) در نهج البلاغه فرمود: «وَ أَطْهَرَ الْمُتَطَهِّرِينَ شَيْمَةً وَ أَحْوَدَ الْمُسْتَمْطِرِينَ دِيْمَةً [۱۹]؛ اخلاقش از همه پاکان پاک‌تر و باران کرمش از هر چیزی بادوام‌تر بود.» ب: دلسوزی و خیرخواهی: از دیگر خصوصیات آن حضرت دلسوزی و خیرخواهی و علاقه به انجام وظیفه بود، این ویژگی در رهبران الهی و پیشوایان جامعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، قرآن مجید پیامبر گرامی اسلام را با این خصلت پسندیده معزفی می‌کند آنجا که می‌فرماید: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ [۲۰]؛ همانا فرستاده‌ای از خود شما به سویتان آمد که رنجهای شما بر او سخت است و اصرار بر هدایت و راهنمایی شما دارد و نسبت به مؤمنان دلسوز و مهربان است دلسوزی حضرت ختمی مرتبت به حدی بود که گاهی از شدت غصه و ناراحتی در آستانه هلاکت قرار می‌گرفت، قرآن در این رابطه می‌فرماید: «فَلَعَلَّكُمْ بَاحِجٌ نَفْسَيْكُمْ عَلَىٰ آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا؛ گویی می‌خواهی به خاطر اعمال (نامناسب) آنان، اگر به این گفتار ایمان نیاورند، خود را هلاک کنی.» اما علی (علیه السلام) در نهج البلاغه جملات زیبایی درباره دلسوزی و خیرخواهی آن حضرت دارد که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود: ۱- نهایت تلاش و خیرخواهی: «خدا پیامبر اسلام را به هنگامی مبعوث فرمود که مردم در حیرت و سرگردانی بودند، در فتنه‌ها به سر می‌بردند،

هوی و هوس بر آنها چیره شده، و خود بزرگ بینی و تکبر به لغزش‌های فراوانشان کشانده بود، و نادانیهای جاهلیت پست و خوارشان کرد و در امور زندگی حیران و سرگردان بودند، و بلائی جهل و نادانی دامنگیرشان بود. «فَبَالِغٌ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) فِي النَّصِيحَةِ وَ مَضَى عَلَى الطَّرِيقَةِ وَ دَعَا إِلَى الْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةَ الْحَسَنَةَ [۲۱]؛ پس پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) در نصیحت و خیرخواهی نهایت تلاش را کرد، و آنان را به راه راست راهنمایی، و از راه حکمت و موعظه نیکو، مردم را به خدا دعوت فرمود.» در جای دیگر فرمود: «محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) بار سنگین رسالت را بر دوش کشید، و به فرمانت قیام کرد، و به سرعت در راه خشنودی تو گام برداشت، حتی یک قدم بر عقب برنگشت و اراده او سست نشد، و در پذیرش و گرفتن وحی نیرومند بود، حافظ و نگهبان عهد و پیمان تو بود و در اجرای فرمانت تلاش کرد تا آنجا که نور حق را آشکار و راه را برای جاهلان روشن ساخت، و دل‌هایی که در فتنه و گناه فرو رفته بودند هدایت شدند پرچم‌های حق را بر افراشت و احکام نورانی را بر پا کرد.» [۲۲]. ۲- طیب دؤار: طیب دلسوز آن است که سراغ بیماران می‌رود، پیامبر رحمت چنین بود، برای طبابت روحی افراد خود به سراغ آنها می‌رفت. علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «طَيْبٌ دَوَّارٌ بِطَبِّهِ قَدْ أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ وَ أَحْمَى (أَمْضَى) مَوَاسِمَهُ يَضَعُ ذَلِكَ حَيْثُ الْحَاجَّةُ إِلَيْهِ، مِنْ قُلُوبِ عُمَى، وَ آذَانَ صُمَّ وَ السِّنِّيَّةَ بِكُمْ مُتَّبِعٌ بِدَاوَنِهِ مَوَاصِغَ الْغَفْلَةِ وَ مَوَاطِنَ الْحَيْرَةِ [۲۳]؛ پیامبر طیبی است که برای درمان بیماران سیار است (و خود نزد بیماران می‌رود)، مرهم‌های شفا بخش او آماده و ابزار داغ کردن زخم‌ها را گداخته برای شفای قلب‌های کور و گوش‌های ناشنوا و زبان‌های لال آماده، و با داروی خود در پی یافتن بیماران فراموش و سرگردان است.» [۲۴]. این همان طیب سیار است که به دنبال بیمار دلان مگه می‌رفت و برخی از آنها آن حضرت را سنگباران می‌نمودند، و گاه حضرت مجبور می‌شد که مگه را ترک نموده به کوه‌ها پناه برد، خدیجه کبری و امیرمؤمنان بدنبال آن حضرت وقتی او را می‌یافتند، زخم‌های پای او را (که بر اثر سنگهای بیماران غافل و ناآگاه زخمی شده بود) پانسمان می‌کردند، اما در همان حال آن دل رئوف و مهربان می‌گفت: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ قَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ [۲۵]؛ خدایا قوم مرا (هدایت کن و آنها را) ببخش چرا که آنها ناآگاهند. [۲۶]. ج - صبر و بردباری حضرت: مطالعه تاریخ انبیاء بخوبی نشان می‌دهد که آنان در راه انجام رسالت خویش با سخت‌ترین رنج‌ها روبرو بوده‌اند، و در این میان حضرت ختمی مرتبت بیش از سایر انبیاء در معرض بلاها و آزمایشات قرار گرفت، چنان که خود فرمود: «مَا أَوْذَى أَحَدٌ مِثْلُ مَا أَوْذِيَ فِي اللَّهِ [۲۷]؛ هیچ کسی (و پیامبری) همانند من در راه خدا آزار و اذیت ندید.» لذا صبر او نیز از همه بیشتر بود اسماعیل بن عیاش می‌گوید: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) أَصْبِرُّ عَلَى أَوْزَارِ النَّاسِ [۲۸]؛ رسول خدا بردبارترین انسان بر وزر و وبال مردم بود.» د: شجاعت: بسیاری از رهبران بوده‌اند که در صحنه‌های جنگ حضور عملی و فیزیکی نداشته‌اند و همیشه با فرمان و دستور جنگ‌ها را اداره کرده‌اند، و امیر پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) اینگونه نبود، بلکه در تمام صحنه‌ها در خط مقدم جبهه حضور فعال داشت و شجاعت واقعی خویش را به نمایش می‌گذاشت و به دیگران روحیه می‌داد، علی (علیه السلام) در این زمینه می‌فرماید: «كُنَّا إِذَا أَحْمَرَ الْبَأْسُ وَلَقِيَ الْقَوْمَ الْقَوْمَ اتَّقَيْنَا بِرَسُولِ اللَّهِ فَمَا يَكُونُ أَحَدٌ أَقْرَبُ إِلَى الْعِيدُوِّ مِنْهُ [۲۹]؛ همیشه این گونه بود وقتی (که تنور جنگ داغ می‌شد) و سختی شدت می‌گرفت، و دو گروه (مسلمان و کافر) مقابل هم قرار می‌گرفتند (ما به حضرت پناه می‌بردیم) و او را سپر بلائی خویش قرار می‌دادیم (چرا که) از او نزدیکتر به دشمن کسی نبود (و او در خط مقدم قرار داشت).

موفقیت‌های پیامبر اکرم

گذری کوتاه به تاریخ پیامبران الهی نشان می‌دهد، که پیامبر خاتم موفق‌ترین آنها در انجام رسالت الهی و هدایت انسان‌ها بوده است او در مدّت کمتر از ۲۳ سال عرب جاهلی را متحوّل ساخت و به اوج و قلّه سعادت رساند و اختلاف‌ها را به وحدت تبدیل نمود و می‌رفت که مکتبش جهانی شود. الف: عزّت جهانی یافتن مسلمانان: امیر مؤمنان در این زمینه می‌فرماید: «مردم! از سر نعمت

بعثت پیامبر و لطف خداوند بزرگ به مقامی رسیده‌اید که حتی کنیزان شما را گرامی می‌دارند و به همسایگان شما محبت می‌کنند، کسانی برای شما احترام قائلند که شما از آنها برتری نداشته و بر آنها حقی ندارید، کسانی از شما می‌ترسند که نه ترس از حکومت شما دارند و نه شما بر آنها حکومتی دارید.» [۳۰]. ب: اختلاف‌ها تبدیل به وحدت، و کینه‌ها تبدیل به الفت گشت: در بخشی از خطبه ۹۶ چنین فرمود: «قرارگاه پیامبر بهترین قرارگاه و محل پرورش و خاندان او شریف‌ترین پایگاه است. در معدن بزرگواری و گاهواره سلامت رشد کرد «قَدْ صَيْرَفَتْ نَحْوَهُ أَفْنَدَةَ الْأَبْرَارِ وَ تَبَيَّتْ إِلَيْهِ أَزْمَةُ الْأَبْصَارِ دَفَنَ اللَّهُ بِهِ الضَّغَائِنَ وَأَطْفَأَ بِهِ التَّوَائِرَ الْآلِفَ بِهِ إِخْوَانًا وَ فَرَّقَ بِهِ أَقْرَانًا عَزَّ بِهِ الذَّلَّةُ وَ أَدَلَّ بِهِ الْعِزَّةَ كَلَامَهُ بَيَانٌ وَ صَمِيئُهُ لِسَانٌ؛ دل‌های نیکوکاران شیفته او گشته، توجه دیده‌ها به سوی اوست. خدا به برکت وجود او کینه‌ها را دفن کرد و آتش دشمنی را خاموش کرد. با (وجود مبارک) او میان دل‌ها الفت و مهربانی ایجاد کرد و نزدیکانی را از هم دور ساخت، انسان‌های خوار و ذلیل و محروم در پرتو (ایمان به) او عزت یافتند، و عزیزانی خودسر (بر اثر کفر او) ذلیل شدند، گفتار او روشنگر واقعیت‌ها و سکوت او زبانی گویا بود.» [۳۱]. در خطبه ۲۳۱ فرمود: «پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) آنچه را که به او ابلاغ شد آشکار کرد و پیام‌های پروردگارش را رساند. او شکاف‌های اجتماعی را به وحدت اصلاح، و فاصله‌ها را به هم پیوند داد و پس از آن که آتش دشمنی‌ها و کینه‌های بر افروخته در دل‌ها راه یافته بود، میان خویشاوندان یگانگی برقرار کرد.» [۳۲]. ج: فراوانی نعمت‌ها، و ایجاد شادابی‌ها و نشاطها: «حال به نعمت‌های بزرگ الهی که به هنگام بعثت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) بر آنان فرو ریخت بنگر که چگونه اطاعت آنان را با دین خود پیوند داد. و با دعوتش آنها را به وحدت رساند! چگونه نعمت‌های الهی بالهای کرامت خود را بر آنان گستراند و به چوینارهای آسایش و رفاه برایشان روان ساخت! و تمام برکات آیین آنها را در بر گرفت. در میان نعمت‌ها غرق گشتند، و در خزمی زندگانی، شادمان شدند امور اجتماعی آنان در سایه قدرت حکومت اسلام استوار شد، و در پرتو عزتی پایدار آرام گرفتند، و به حکومتی پایدار رسیدند، آنگاه آنان حاکم و زمامدار جهان شدند و سلاطین روی زمین گردیدند و فرمانروای کسانی شدند که در گذشته حاکم بودند، و قوانین الهی را بر کسانی اجرا می‌کردند که مجریان احکام بودند. و در گذشته کسی قدرت درهم شکستن نیروی آنان را نداشت و هیچ کس خیال مبارزه با آنان را در سر نمی‌پروراند.» [۳۳]. د: نمونه‌هایی از تربیت یافتگان مکتب او: از بزرگترین موفقیت یک رهبر آن است که بتواند برای تحوّل در اجتماع در گام اول افراد سالم و ساخته شده تربیت کند و به اصطلاح امروز کادرسازی درستی داشته باشد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در دوران سیزده سال در مکه و ده در سال مدینه افراد بسیاری را تربیت نمود از جمله تربیت شدگان امیرمؤمنان علی (علیه السلام) است، در این باره خود او می‌گوید: «پیامبر مرا در اتاق خویش می‌نشاند، در حالی که کودک بودم مرا در آغوش خود می‌گرفت، و در بستر مخصوص خود می‌خوابانید... و بوی پاکیزه خود را به من می‌بویاند و گاه غذا را لقمه لقمه در دهانم می‌گذاشت... و من همواره با پیامبر بودم چونان فرزند که همواره با مادر است پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هر روز نشانه تازه‌ای از اخلاق نیکو را برایم آشکار می‌فرمود، و به من فرمان می‌داد که به او اقتدا نمایم.» [۳۴]. درباره اصحاب پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «لَقَدْ رَأَيْتُ أَصْحَابَ مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه و آله و سلم).... وَ قَدْ بَاتُوا سِجْدًا وَ قِيَامًا يَرَاوُحُونَ بَيْنَ جِبَاهِهِمْ وَ خُدُودِهِمْ وَ يَقْفُونَ عَلَى مِثْلِ الْجَمْرِ مِنْ ذِكْرِ مَعَادِهِمْ كَأَنَّ بَيْنَ أَعْيُنِهِمْ رُكْبَ الْمَعزَى مِنْ طُولِ سِجُودِهِمْ إِذَا ذَكَرَ اللَّهُ هَمَلَتْ أَعْيُنُهُمْ حَتَّى تَبَلَّ جُيُوبُهُمْ...؛ براستی من اصحاب پیامبر را اما هیچکدام از شما (خطاب به اصحاب خود) را همانند آنان نمی‌نگرم... شب را تا صبح در حال سجده و قیام به عبادت سپری می‌کردند، و پیشانی و گونه‌های صورت را در پیشگاه خدا بر خاک می‌ساییدند، با یاد معاد چنان ناآرام بودند گویا بر روی آتش ایستاده‌اند، بر پیشانی آنها از سجده‌های طولانی پینه بسته بود (همچون پینه‌های زانوی شتر) اگر نام خدا برده می‌شد چنان می‌گریستند که گریبان آنان تر می‌شد. و چون درخت در روز تندباد می‌لرزیدند، از کفیری که از آن بیم داشتند یا برای پاداشی که به آن امیدوار بودند.» [۳۵].

حسن ختام سخن را دعاهایی قرار می‌دهیم که علی (علیه السلام) در حق پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نموده است. شایان توجه است که دعای معصوم در حق معصوم از منزلت و ویژگیهایی برخوردار است که درک آن نیاز به دقت و ژرف اندیشی دارد. در خطبه هفتاد و دوم می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ افْسِحْ لَهُ مَفْسَحًا فِي ظِلِّكَ وَ اجْزِهِ مُضَاعَفَاتِ الْخَيْرِ مِنْ فَضْلِكَ اللَّهُمَّ وَأَعْلِ عَلِيَّ بِنَاءِ الْبَائِنِينَ بِنَاءَهُ وَ اَكْرِمْ لَدَيْكَ مَنْزِلَتَهُ وَ اَتَمِّمْ لَهُ نَوْرَهُ...» پروردگارا! برای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در سایه لطف خود جای با وسعتی بگشای و از فضل و کرم پاداش او را فراوان گردان خداوند! کاخ آیین او را از هر بنایی برتر و مقام او را در پیشگاه خود گرمی‌تر، و نورش را کامل گردان و پاداش رسالت او را پذیرش گواهی و شفاعت و قبول گفتار او قرار ده، زیرا که دارای منطق عادلانه و راه جدا کننده حق از باطل بود. بار خدایا! بین ما و پیغمبرت در نعمت‌های جاویدان، و زندگی خوش، و آرزوهای برآورده و خواسته‌های به انجام رسیده، در کمال آرامش و در نهایت اطمینان (همراه با مواهب) و هدایای با ارزش جمع گردان» [۳۶] در خطبه دیگر چنین در حق ختمی مرتبت دعا فرمود: «خداوند! پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) امین و مورد اطمینان و گواه روز قیامت است، نعمتی است که برانگیخته و رحمتی است که به حق فرستاده‌ای. خداوند! بهره فراوانی از عدل خود به او اختصاص ده، و از احسان و کرم خود فراوان به او ببخش خدایا! بنای دین او را از آنچه دیگران برآورده‌اند عالی‌تر قرار ده، او را بر سرخان کرمی‌تر دار، و بر شرافت مقام او در نزد خود بیفزای و وسیله تقرب خویش را به او عنایت فرما، و بلندی مقام و فضیلت او را بی‌مانند گردان و ما را از یاران او محشور فرما چنانکه نه زیانکار باشیم و نه پشیمان، نه دور از حق باشیم و نه شکننده پیمان، نه گمراه باشیم و نه گمراه کننده بندگان، نه فریب هوای نفس خوریم و نه وسوسه شیطان.

پاورقی

- [۱] ر.ک اعلام الهدایه، المجمع العالمی لاهل البیت، چاپ اول، ۱۴۲۲ ه.ق ج ۱، ص ۲۵ - ۲۷ و شیخ عباس قمی، منتهی الآمال، کتابفروشی علمیه اسلامی، ج ۱، ص ۱۱.
- [۲] سوره احزاب، آیه ۲۱.
- [۳] نهج البلاغه، محمد دشتی، نشر پارسایان، خطبه ۱۶۰، ص ۲۹۸.
- [۴] همان، ص ۳۰۰.
- [۵] همان، خطبه ۹۴، ص ۱۷۶، شماره ۳.
- [۶] همان، خطبه ۱۰۰، ص ۱۸۶.
- [۷] همان، خطبه ۱۹۰، ص ۳۷۴ شماره ۱۸.
- [۸] ر.ک مرتضی مطهری، سیری در نهج البلاغه، انتشارات صدرا، ص ۲۱۰، ۱۱، با تلخیص و تغییر.
- [۹] نهج البلاغه (همان)، خطبه ۱۰۹، ص ۲۰۸، شماره ۳۵ - ۳۷.]
- [۱۰] همان، خطبه ۱۶۰، ص ۳۰۰، شماره ۲۴ - ۳۱.
- [۱۱] همان، خطبه ۱۶۰، ص ۳۰۲.
- [۱۲] همان، شماره ۳۵ - ۳۶.
- [۱۳] همان، ص ۳۰۲، شماره ۳۷.
- [۱۴] سوره قلم، آیه ۴.
- [۱۵] مکارم الاخلاق، ص ۸، فتح الباری، ج ۶، ص ۴۱۹.

- [۱۶] سوره آل عمران، آیه ۱۵۹.
- [۱۷] مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۵۱، حدیث ۲۰.
- [۱۸] الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۳۶۵.
- [۱۹] نهج البلاغه، خطبه ۱۰۵، ص ۱۹۲.
- [۲۰] سوره توبه، آیه ۶۱.
- [۲۱] سوره كهف، آیه ۶.
- [۲۲] نهج البلاغه، خطبه ۹۵ (همان)، ص ۱۷۸.
- [۲۳] نهج البلاغه (همان)، خطبه ۷۲، ص ۱۲۰، شماره ۴ - ۵.
- [۲۴] همان خطبه ۱۰۸، ص ۲۰۰.
- [۲۵] منتخب میزان الحکمه، ص ۴۹۹ و الترغیب و الترهیب، ج ۳، ص ۴۱۹، حدیث ۲۱.
- [۲۶] کنز العمال، حدیث ۵۸۱۸ و كشف الغمّه، ج ۲، ص ۵۳۷.
- [۲۷] الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۳۷۸.
- [۲۸] مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۵۳، حدیث ۲۶ و منتخب میزان الحکمه، ص ۴۹۷.
- [۲۹] نهج البلاغه، خطبه ۱۰۶، ص ۱۹۶ - ۱۹۷، شماره ۱۰.
- [۳۰] همان، خطبه ۹۶، ص ۱۷۸، شماره ۲.
- [۳۱] همان، خطبه ۱۹۲، ص ۳۹۶، شماره ۹۸ - ۱۰۲.
- [۳۲] همان، خطبه ۲۳۱، ص ۴۶۸.
- [۳۳] همان، خطبه ۱۹۲، ص ۳۹۸، ش ۱۱۵ - ۱۲۱.
- [۳۴] همان، خطبه ۹۷، ص ۱۸۲.
- [۳۵] همان، خطبه ۷۲، ص ۱۲۲، شماره ۷ - ۹.
- [۳۶] همان، خطبه ۱۰۶، ص ۱۹۶، شماره ۶ - ۹.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

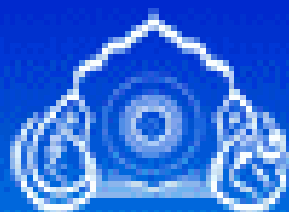
تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

